



پر پیچ و خم سیاسی می‌شود. همین عنصر روایتی یعنی کتاب خاطرات - که در ادبیات سیاسی و ژورنالیستی جوامع غربی امری لازم و پراهمیت به شمار می‌رود - تبدیل به موتور محرکه داستان می‌شود. در فیلم با نویسنده‌ای بی‌نام آشنا می‌شویم که به طور اتفاقی برای نگارش و در واقع تصحیح نسخه اولیه کتاب خاطرات آدم لنگ، نخست‌وزیر سابق انگلستان، استخدام می‌شود. نویسنده با ورود به خانه سیاستمدار بازنشسته به پیچیدگی و غرابت روابط موجود در این خانه و اطراف آن پی می‌برد و هر گام که به پیش می‌نهد، با معماهایی جدید مواجه می‌شود که پیش رویش گسترده می‌شوند. اما گره نهایی آن زمان بر پیکره فیلم افزوده می‌شود که وزیر امور خارجه این نخست‌وزیر سابق، شکایتی علیه او درباره دستگیری و شکنجه چهار تبعه انگلیسی پاکستانی الاصل به اتهام عضویت در القاعده و تحویل آنها به سازمان سیا، تسلیم دادگاه لاهه می‌کند. واکنش‌های متناقض نخست‌وزیر و مشاورانش و تأثیر غریب و پیچیده همسر او در این وضعیت بغرنج، نویسنده را با پرسش‌هایی پرشمار روبه‌رو می‌کند. اما نقطه عطف اصلی زمانی رخ می‌دهد که نویسنده، بخشی از یادداشت‌ها و اطلاعات مخفی نویسنده اولیه کتاب (که به طرز مشکوکی کشته شده) را پیدا می‌کند و به اسرار دست‌نشانده‌گی و حمایت نخست‌وزیر از سوی سازمان سیا پی می‌برد. از اینجا به بعد نویسنده در صدد کشف رازهای پنهان ماجرا بر می‌آید و عاقبت پس از گشودن گره‌های پرشمار قصه، جان خود را بر سر این کار می‌نهد. گره اصلی از اینجا یعنی از لحظه دستیابی اتفاقی نویسنده به اسناد شخصی نویسنده مقتول پیشین، افکنده

بررسی فیلمنامه «نویسنده پشت پرده»

همه چیز در «آغاز» است

مازیار فکری ارشاد

نویسنده پشت پرده یک تریلر سیاسی به سبک و سیاق آشنای رومن پولانسکی کارگردان کهنه‌کار و تحسین شده سینماست. پولانسکی این فیلم را با اقتباس از رمانی به نام **روح** اثر رابرت هریس و با کمک او نوشته و خود آن را کارگردانی کرده است. **نویسنده پشت پرده** را می‌توان فیلم سیاسی نمونه‌ای سالیان اخیر دانست که موضوع پشت پرده سیاست و سیاست بازی‌های آدم‌های درگیر را به تصویر می‌کشد، به علاوه موضوع فرعی و مهم جنگ با تروریسم و سیاه‌کاری‌های سیاستمداران غربی در باب این موضوع، که گویی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به جزء جدایی‌ناپذیر فیلم‌هایی از این دست تبدیل شده است.

اما هر قدر پولانسکی در کارگردانی و اجرای این فیلم مهارت نشان داده و به شاهکارهای کارنامه بلند بالای خود نزدیک می‌شود، در زمینه نگارش فیلمنامه و اقتباس از رمان کاستی‌ها و نقصان‌های فراوان نشان می‌دهد. فیلمنامه **نویسنده پشت پرده** به شیوه‌ای کلاسیک از دو پرده مجزا تشکیل شده است. در پرده اول ضمن چینی‌ساز شدن مقدمات داستان و افکندن گره‌های متعدد روایی به منظور ایجاد تعلیق، با چنبره‌ای از دروغ‌ها و دسیسه‌های سیاستمداران آشنا می‌شویم. اما در پرده دوم که پس از یک نقطه عطف ساده رخ می‌دهد، وارد مرحله گره‌گشایی و البته افکندن گره‌هایی تازه می‌شویم. سپس با یک پایان‌بندی کلیشه‌ای و ضعیف، قصه پر تلاطم و پر حشو و زوائد فیلم به انتها می‌رسد.

در **نویسنده پشت پرده** کتاب خاطرات یک سیاستمدار بازنشسته بهانه‌ای برای خلق یک قصه



نگاهی به نظر منتقدان خارجی درباره فیلم
«نویسنده پشت پرده»

یک تریلر سیاسی

مترجم: احمد فاضلی شوشی

فیلم نویسنده پشت پرده آخرین فیلم رومن پولانسکی است. فیلمی که منتقدان آن را در ژانر تریلرهای سیاسی قرار می‌دهند، هم به سبب موضوع آن و هم به سبب شباهت میان شخصیت اصلی فیلم، آدام لانگ، با تونی بلر. البته این نکته‌ای است که نویسنده فیلمنامه، رابرت هریس، که اتفاقاً از رمان خودش اقتباس کرده، آن را رد نمی‌کند. آن چه در پی می‌آید، گزیده‌ای از نظرات منتقدان سایت‌ها و نشریات مختلف درباره فیلم و عمدتاً قصه آن است.

● دوین فارسی / سایت چاد

دوین فارسی با اشاره به شباهت همه جانبه لانگ با تونی بلر به استثنای نامشان به دنیای خارج از فیلم و ماجرای که بر پولانسکی گذشته نقب می‌زند. او تلاش لانگ در مبارزه با قانون بازگرداندن مجرم به کشورش را برای محاکمه شدن اعتراف گونه پولانسکی بر مسئله‌ای می‌داند که خود نیز از آن ضربه خورده است. فارسی همچنین می‌گوید چنان چه مخاطب از این شباهت‌ها بی‌خبر باشد و فیلم را فقط به عنوان یک فیلم نگاه کند، خواهد دید حاصل کار هوشمندانه، مهیج و خنده‌آور است و قصه آن به خوبی بازگویی شده است. این منتقد همچنین بر این باور است که اقتباس از رمان ناشناس و به فیلم در آوردن آن از سوی پولانسکی اثری به وجود آورده که هم به قواعد گونه‌تیلر واقف است و هم این قراردادها را به سخره می‌گیرد.

● درک الی / سایت ورایتی

درک الی درباره مسئله اقتباس سینمایی از رمان رابرت هریس می‌نویسد: بهترین چیزی که می‌توان درباره فیلم رومن پولانسکی گفت، این است که مخاطبان نیازی ندارند اصل رمان را بخوانند. به جز چند مورد و تلخیص ناگزیر اثر ابرای سینما تقریباً همه چیز روی پرده هست؛ صفحه به صفحه قصه و خط به خط گفت‌وگوها. این یکی از پایبندترین اقتباس‌های سینمایی به اصل داستان مورد اقتباس است. الی همچنین معتقد است در فیلم نویسنده پشت پرده همه اجزای لازم برای یک تریلر سیاسی پر سروصدا حاضرند؛ فساد در رأس قدرت، مجموعه شخصیت‌های اغواگر و مشکوک و نظایر اینها. اما از نظر این منتقد در یک ساعت اول فیلم روند داستان آن طوری نیست که جوی درباره داستان مهم‌تری پشت ماجرای اصلی فراهم سازد. پولانسکی صرفاً نثر نه‌چندان برجسته هریس را مستقیم بر پرده منتقل کرده و اگر چه در نیم ساعت پایانی، فیلم ریتم تندی می‌گیرد، پس از آشکار



می‌شود و نویسنده گام به گام به کشف راز نائل می‌آید.

فضا سازی از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عناصر روایت در فیلم نویسنده پشت پرده به شمار می‌آید. اغلب زمان فیلم در جزیره‌ای حوالی نیویورک و در خانه‌ای زیبا و مدرن اما محصور در یک کمربند نامرئی امنیتی می‌گذرد. فضای دورافتاده و بی‌روح جزیره در تلفیق با معماری هراس‌آور منزل مسکونی لنگ به نوعی ایجاد احساس خفقان و محبوس شدگی را در مخاطب پدید می‌آورد. به اینها باید هوای همیشه ابری و خاکستری جزیره و همراهی دائمی باران و توفان در اطراف خانه را افزود که حسی از عدم تعادل، بی‌ثباتی و نزدیک بودن فاجعه را القا می‌کند. نمای تکرار شونده جارو کردن بی‌فایده محوطه و حیاط خانه توسط مستخدم، که باران و توفان همیشگی تمامی تلاش‌های او را بر باد می‌دهد، گواهی بر این مدعاست که رازها و دسایس پنهان در این خانه هرگز قابل پوشش دادن و لاپوشانی نیستند و عاقبت پرده بر افتد و رازها بر ملا شود.

نقطه عطف دیگر قصه در سکانس رویارویی نویسنده با پیرمرد ساکن جزیره (با بازی ایلاوی والاک) رخ می‌دهد. در این فراز پیرمرد ناخواسته اطلاعاتی درباره آن چه در اطراف می‌گذرد و به ویژه معماری مرگ مشکوک مایکل مک آرا (نویسنده اولیه کتاب خاطرات لنگ) ارائه می‌دهد. از اینجا به بعد نویسنده پی می‌برد که ناخواسته وارد بازی پیچیده و خطرناکی شده که حتی جان او را هم به خطر خواهد انداخت. اما برای کنار کشیدن دیر شده و او چنان آلوده این بازی شده که نتواند بی‌عید به نظر می‌رسد. بخش دیگری از جذابیت‌های داستان به شخصیت‌پردازی دو کاراکتر نویسنده (با نقش آفرینی اوآن مک گرگور) و روث همسر لنگ (الیویا ویلیامز) مربوط می‌شود. روث پیچیده‌ترین شخصیت قصه است که در پایان مشخص می‌شود در پشت پرده، صحنه گردان اصلی ماجرا بوده و شخصیت بذله‌گو، باهوش و کنجکاو نویسنده در برخورد با روث، بخش عمده‌ای از بار درام قصه را پیش می‌برد. نزدیک شدن این دو شخصیت به یکدیگر نه تنها برخی گره‌های اصلی را می‌گشاید، که در عین حال گره‌های تازه‌ای به وجود می‌آورد. این ارتباط دو جانبه مانند چینش قطعات یک پازل در کنار یکدیگر و در جای مناسب، به حل معماها می‌انجامد.

اما ضعف اصلی فیلمنامه نویسنده پشت پرده در سادگی بیش از حد پیرنگ داستانی است که برای یک تریلر سیاسی و پیچیدگی‌های طبیعی آن، نامتعارف به نظر می‌رسد. علاوه بر آن تقسیم‌بندی اطلاعات و زمان و نحوه ارائه آنها به مخاطب، آشفته و دور از انتظار است. در عین حال اشارات و کنایه‌های مستقیم و غیرمستقیم فیلمنامه به برخی جریان‌های سیاسی روز جهان، چنان خام‌دستانه صورت گرفته که از فیلم‌ساز کارکنته‌ای چون پولانسکی بعید به نظر می‌رسد.

جایی اواخر فیلم درمی‌یابیم که راز نهفته در خانه نخست‌وزیر، که به جوهره اصلی درام فیلمنامه نیز بدل شده، در سطرهای اولیه فصول متعدد کتاب زندگینامه لنگ که توسط مایکل مک آرا نگاشته شده نهفته است. یکی از شخصیت‌ها این جمله را بر زبان می‌راند: «همه چیز در آغاز است.» اما این مقدمه‌چینی‌ها با پایان‌بندی نجسب و قابل پیش‌بینی فیلم بر باد می‌رود و نشان می‌دهد که در واقع، هر آن چه در آغاز بوده می‌تواند در پایان فنا شود.